

دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۹
۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲
۸ فوریه ۲۰۲۱

اخبار

«با آفریقا امروز»؛

بنیانگذار صنعت خودروسازی تونس در شبکه پرس تی وی

برنامه این هفته «آفریقا امروز» (Africa Today) شبکه پرس تی وی، وضعیت خودروسازی آفریقا و تاثیرات فعالیت شرکت های نفتی چندملیتی را بر محیط زیست این قاره بررسی می کند.

به گزارش امتیاز، این برنامه به تهیه کنندگی عاطفه سادات دربندی نگاهی دارد به صنعت خودروسازی در آفریقا و کشورهای این قاره را به دلیل افزایش سطح درآمد و ظهور طبقه متوسط، به عنوان مرز نهایی صنعت جهانی خودرو معرفی می کند.برنامه «آفریقا امروز» در همین راستا، این سوالات را با مخاطبان خود طرح می کند که نظرشان درباره اقدام چند کشور اروپایی برای تولید خودرو چیست و آیا این کشورها می توانند در بازار جهانی خودرو رقابت کنند؟ بخش دیگر این برنامه به بررسی وضعیت محیط زیست در دلای نیجر در کشور نیجریه اختصاص دارد. دلای نیجر سومین جنگل بزرگ حرا در جهان است که هر ساله ۴۰ میلیون لیتر روغن توسط شرکت های نفتی چندملیتی از جمله شرکت شل بر سراسر این دلتا ریخته می شود. «آفریقا امروز» ضمن بررسی وضعیت فعلی محیط زیستی دلتای نیجر، این موضوع را مورد نقد و تبادل نظر قرار می دهد که چه کسی مسئول پاکسازی این دلتا پس از تخریب گسترده اش توسط شرکت های استخراج کننده نفت است. ایف سیناچی، استاد دانشگاه سنت اندرز و زید گوینگا، بنیانگذار شرکت خودروسازی در تونس کارشناسان برنامه این هفته هستند. «آفریقا امروز» با اجرای ویلفرد مبارک هنیا دوشنبه ۲۰ دی ساعت ۱۱:۰۰ به وقت تهران به مدت ۲۵ دقیقه از شبکه پرس تی وی پخش می شود. تکرار این برنامه دوشنبه ساعت ۰۰:۰۰ سه شنبه ساعت ۰۷:۰۰ و ۱۶:۰۰، چهارشنبه ساعت ۰۱:۰۰، پنجشنبه ساعت ۱۲:۰۰ و جمعه ساعت ۰۸:۰۰ روی آنتن خواهد رفت.

روایت «جریان زندگی» از ایران در بالکان
مجموعه مستند «جریان زندگی»، محصول شبکه پرس تی وی، از کانال بالکان شبکه سحر در حال پخش است.

به گزارش امتیاز، این مستند با کارگردانی دنیلا دارکووتس ساخته شده است. «جریان زندگی» در ۱۰ قسمت به بررسی علل گرایش تازه مسلمانان آلمانی به دین مبین اسلام و تاثیرات این اقدام مهم در زندگی این افراد می پردازد. مستند «جریان زندگی» روزهای جمعه ساعت ۲۱:۳۰ به وقت تهران و در مدت زمان ۲۵ دقیقه بر روی آنتن کانال بالکان شبکه سحر است. سارا یووانوویچ زیانگردانی این مستند به بوستنیایی را برعهده داشته است.

قدرت گیری مافیای انتشار بازی‌های رایانه‌ای

بازی‌های ویدئویی همچون رقابت‌های ورزشی می‌توانند مخاطب یا تماشاگر انبوه داشته باشند، کسانی که از طریق ارتباط‌های آنلاین یا تلویزیونی رقابت برهمنجان یک بازی ویدئویی را تماشا می‌کنند. همچون هر پدیده پرمخاطب دیگری، بازی‌های ویدئویی نیز می‌توانند از ظرفیت تجاری و سیاسی رسانه خود بهره ببرند. برگزاری رویدادهای مربوط به رقابت‌های بازی‌های ویدئویی و جذب مخاطب پرشمار می‌تواند با گرفتن تبلیغات و سودآوری بالایی همراه باشد.همچنین بازی‌های گروهی از قدیم یکی از بهترین شیوه‌های ارتباط اجتماعی و نزدیکی افراد به یکدیگر بوده‌اند. در بازی‌های دیجیتال شکل‌گیری این شکل از روابط بیشتر در بازی‌های چندنفره آفلاین نمود پیدا می‌کند و نیز در بازی‌های آنلاین. اما صرفاً بازی‌های رایانه‌ای چندنفره افراد را کنار هم جمع نمی‌کنند بلکه تماشای بسیاری از بازی تک‌نفره نیز می‌تواند جذاب باشد و باعث ایجاد رابطه میان بازی‌کننده و تماشاگر شود. علاوه بر این، روابط ایجادشده گسری از بازی نیز قابل توجه است و به‌اشتراک‌گذاری تجربه‌ها می‌تواند روابط بیشتری را شکل دهد. از طریق بازی می‌توان دوستان جدید پیدا کرد یا روابط خانوادگی و دوستی را بهبود داد. افزون بر این، با وجود این گروهی به افراد فرصت می‌دهند تا در نقش‌هایی مثل رهبری و آموزش قرار بگیرند و همکاری و تقسیم وظایف را تجربه کنند. اما با توجه به این موضوعات باید ببینیم که سرمایه‌گذاری بر روی این موضوع تا چه اندازه صورت می‌گیرد و چقدر در اهم امور قرار می‌گیرد؟ در زمانی که دغدغه بازی‌سازی و گیم میان مسئولان به درستی جا نیفتد خیلی از موضوعات مطرح شده عبث خواهند ماند. در ادامه یکی از بازی‌سازان کشورمان درباره بازی‌سازی و معضلات آن می‌گوید.
امیررضا حسینی از بازی‌سازان کشورمان درباره وضعیت گیم‌سازی در ایران به مهر می‌گوید: نمره قابل قبولی به صنعت نمی‌توان داد زیرا که وعده‌های حمایتی برای تیم‌های بازی‌سازی به وقوع نپیوسته است و برخی از مافیای انتشار بازی و بازی‌پرددها در حال قدرت‌گیری هستند.این بازی‌ساز درباره اهداف این مافیا، ادامه می‌دهد: یک مافیای ساده، که در تلاش برای بهتر تبلیغ کردن و نمایان کردن بازی‌های خود در بازار هستند و با تکنیک‌های خاص خود، به نوعی مانع دیده شدن یا دانلود برخی بازی‌های دیگر می‌شوند. وقتی یک شرکت تحت هر عنوان خاصی، بخشی از سهام یا کل سهام یک شرکت را خریداری می‌کند و در پروسه مدیریتی این شرکت‌ها که زیر مجموعه خودش هستند، سهمی می‌شود، تا حدود بالایی از وابستگی، سایر همکاران و خروجی‌های خودشان حمایت می‌کند و با استفاده از سهمی که طبق تقسیم‌بندی سهام دارد، مسیر عدالت را به نوعی دور می‌زند و خروجی هدف را بیشتر از خروجی که توسعه دهنده عالی به کاربران نشان می‌دهد.این بازی‌ساز درباره وجه تمایز بازی خارجی با ایرانی می‌افزاید: اگر بخواهیم بازی‌های ایرانی و خارجی را در مقابل هم قرار دهیم، طبیعتاً بازی‌های خارجی پیروز میدان خواهند شد، ولی بازی‌های خوبی هم پیدا می‌شوند. که گاهاً از نمونه‌های خارجی خود موفق‌تر هستند. ولی به دلایلی از جمله تحریم‌ها و محدودیت‌های ایران، هرگز به جایگاه واقعی خود نمی‌رسند.

مهرداد مراد یادداشتی درباره «آرسن لوپن» نوشته است؛ شخصیتی که در ادبیات عامه و فرهنگ عمومی ما هم حضور دارد و گاهی که بخواند به‌کنایه، زرنگی و هوشمندی فردی را گوشزد کنند از این‌نام برای اشاره به او استفاده می‌کنند. آرسن لوپن یک‌شخصیت داستانی است که در جهان ادبیات پلیسی متولد شد.

مراد در یادداشت خود پیشینه، تاریخچه و سپس آثار مربوط به این‌شخصیت داستانی را به‌طور اجمالی تشریح و معرفی کرده است.

در ادامه مشروح این‌یادداشت را می‌خوانیم:
در اواخر قرن نوزدهم، ژانر جنایی به‌عنوان یک‌شاخه ادبی در فرانسه مورد توجه قرار گرفت و نویسندگان متعددی به تقلید از «آل پو» و «کانن دوئل» دست به نگارش رمان های پلیسی و کارآگاهی زدند. بین دهه ۲۰ و ۳۰ در قرن بیستم نویسندگان شاخص بریتانیایی از جمله «دوروتی سایرز» و همچنین آمریکایی مانند «اس اس ون داین» یک‌انجمن کارآگاهی تشکیل دادند و آنجا یک سری قوانین بیست‌گانه برای نوشتن رمان‌ها و داستان‌های پلیسی، به تصویب رساندند که «فرانسوا فوسکا» در فرانسه آن را به هشت ماده تقلیل داد.

هدف از تصویب چنین‌قوانینی، این بود که بین اطلاعات و دانستنی‌های کارآگاه داستان و خواننده یا مخاطب توازن برقرار کنند و نویسنده نتواند دانشی مخفی در اختیار قهرمان داستان بگذارد. اساس چنین‌تأکیدی هم بر این‌گمان استوار بود خواننده داستان‌های کارآگاهی می‌خواهد مانند حل کردن یک‌جدول، با رمزگشایی از معمای داستان، لذت ببرد و تفریح کند. البته این‌قوانین به ظاهر محکم، کاربرد چندانی در داستان نداشت و بسیاری از نویسندگان ترجیح می‌دادند، خواننده را با اطلاعات فرشه‌ده گیج کنند و در بسیاری از مواقع خوانندگان حرفه‌ای فقط از روی تجربه می‌توانستند قائل را حدس بزنند تا بوسیله اطلاعاتی که نویسنده در اختیار آنها قرار می‌داد.

بعضی از نویسندگان هم مانند «رژ ژسمنون»، در کل اعتقادی به این‌قوانین نداشتند و راه خود را می‌رفتند. به عنوان مثال در رمان «راز اتاق زرد» اثر «گاستن لژو» شواهدی را دال بر مجرم بودن بعضی از کاراکترها می‌بینیم اما در نهایت اطلاعاتی افشا می‌شود که خواننده هیچ‌اشراقی بر آنها نداشته است.

یکی از چهره‌های کلیدی توسعه ادبیات جنایی در فرانسه ماجراهای «ویدوک» بود. «ویدوک» جنایتکاری بود که در دوران بعد از انقلاب فرانسه

نجمه دری، استاد دانشگاه تربیت مدرس درباره حدود استفاده

از اغراق در ادبیات و نیز تحریف تاریخ در آثار ادبی اظهار کرد: مسئله اول (حدود استفاده از اغراق در آثار ادبی) خیلی کلی است و به آن صورت کلی نمی‌شود به آن پاسخ داد، چون حوزه شعر و نثر کاملاً از هم جداست؛ حوزه شعر می‌طلبد که خیال در آن خیلی قوی باشد و هر چه اغراق بیشتر و شعر دلخواه انگیزتر باشد، نتیجه بهتری داشته و شگفت‌آفرینی‌ای که مردم از مواجهه با شعر انتظار دارند، طبعاً بیشتر است؛ شعر بدون تخیل اصلاً شعر نیست و تخیل می‌تواند منجر به مبالغه و اغراق در ارائه مضامین شود.

او سپس درباره اغراق در نثر گفت: در دنیای نثر اما با انواع مختلفی از نثر سروکار داریم که می‌تواند داستان، خاطره، گزارش و یا یک نوشته علمی و انواع دیگر آن باشد. اگر از داستان صحبت می‌کنیم، فضای داستان مانند شعر با تخیل و نوآوری گره خورده است و یکی از انواع جذاب آن، داستان‌های خیال و وهم یا فانتزی است که در آن ما هر اغراق باید زیاد باشد، در اسطوره و افسانه هم همین‌طور. اما ماجرا در خصوص روایات تاریخی یا اصلاً مکتوب کردن تاریخ فرق می‌کند.

دری افزود: وقتی ما با یک رویداد تاریخی مواجه هستیم و قرار است تاریخ را مکتوب کنیم و به اطلاع آیندگان برسانیم، دیگر همه چیز فرق می‌کند و در این صورت، دور بودن از هرگونه اغراق امتیاز اصلی کار می‌شود. برای مثال ابوالفضل بهیقی که یکی از برترین‌های تاریخ‌نویسی است و اثر او از طرفی یک اثر ادبی نیز هست، در جای‌جای «تاریخ بهیقی» می‌بینیم بر این اصل تأکید می‌کند که آن چه را می‌نویسد، به چشم خود دیده یا از استادش شنیده و به این ترتیب هر لحظه سعی می‌کند (مخصوصاً وقتی مطلب خیلی حالت شگفت‌انگیزی به خود می‌گیرد) با گفتن این‌که از چه کسانی آن را شنیده به ما اطمینان دهد تا آن را بپذیریم. در مقابل این، توارخی را هم داریم که معتقدیم در بیان روایات آن‌ها بی‌عدالتی‌هایی رخ داده است، مثلاً درخصوص «تاریخ جهانگشا» معتقدیم که چون جوینی می‌خواست تاریخش به دلخواه ایلخان مغول باشد، در بخش‌های بسیاری روایت تاریخی را به گونه‌ای تحریف کرده است. مثلاً در جایی از این تاریخ از شخصی ایرانی به نام «تارابی» نام می‌برد که اهل بخاراست و در زمان حمله مغول‌ها به ایران در برابر آن‌ها می‌ایستد و سعی می‌کند از ایران دفاع کند و در این نبرد کشته می‌شود اما در تاریخ «جهانگشا» طوری جلوه داده شده که انگار او فرد بدی است،

چهل و چهارمین قسمت از سلسله یادداشت‌های غیراداری پرروی قاسمی، راینز فرهنگی ایران در قرقیزستان، به معرفی برنامه‌های طراحی شده توسط این راینزی برای گرامیداشت چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بیشکک اختصاص پیدا کرده است. این یادداشت را در ادامه بخوانید:

امروز پنجشنبه ۱۶ بهمن ۹۹ است. در ایام دهه فجر بسر می‌بریم و بسان همه نمایندگان فرهنگی ایران در کشورهای مختلف در تدارک و برنامه‌ریزی مراسم برای گرامیداشت چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب هستیم. نوع برنامه‌های امسال و نحوه برگزاری آنها به خاطر شیوع و گسترش کرونا نسبت به سال‌های گذشته تفاوت دارد. اکثر کارهای مناسبتی به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، برگزاری وبینار، نمایشگاه عکس انقلاب اسلامی بصورت مجازی و ترجمه و انتشار گزارش و مقاله و تولید محتوا به‌صورت ویدئوها و کلیپ‌ها محدود شده است. البته دربرخی کشورها نیز با فرود متنحنی کرونا، علاوه بر فعالیت‌های ذکر شده؛ برنامه‌هایی نیز به‌صورت حضوری و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار شده و یا در روزهای آینده منتهی به ۲۲ بهمن برگزار خواهد شد.نمایندگی

ضدّ کار آگاهی با نام آرسن لوپن



تبدیل به یک قهرمان شد. ماجراهای «ویدوک» در طول زندگی و حتی بعد از مرگ او باعث الهام بسیاری از نویسندگان داستان‌های جنایی شد و حتی «بالزاک» هم با او چندمصاحبه انجام داد. در سال ۱۸۲۹، کتابی با عنوان «خاطرات ویدوک» منتشر شد که او را یک موجود فوق طبیعی نشان می‌داد. یکی از شگردهای محیرالعقلی که او انجام می‌داد، استفاده از تغییر چهره و عوض کردن هویت فردی و جسمی بود.

به‌عنوان مثال، وقتی که «ویدوک» در اواخر عمر به لندن آمد، روزنامه «تایمز» قد و هیکل او را بسیار بزرگتر از حد واقعی توصیف کرد و بعدها نوشتند که «ویدوک» می‌توانست حتی قد خود را چند اینچ بلندتر نشان بدهد، بدون اینکه خللی در راه رفتن یا دویدن داشته باشد. پس از آن بود که نویسندگانی مثل «کانن دوئل» و «گاباریو» هم از این‌تکنیک برای «شرلوک هلمز» و «لیکاک» استفاده کردند.

این‌موضوع برای «آرسن لوپن» هم صدق می‌کرد. کاراکتری که علی‌رغم کارآگاه نبودن، در سال‌های اولیه نگارش داستان‌های کارآگاهی فرانسه خوش درخشید و مشهور باقی ماند، «آرسن لوپن» یک ضد کارآگاه بود. کاراکتری لیبرال که می‌توانست مأموران یک جامعه سروکبگر را گیج کند و در عین حال، از پس چالش‌های منطقی و مسلم یک‌داستان کلاسیک کارآگاهی برآید. نوع طرح، پیش زمینه‌های اسرارآمیز و وقایع معمای به‌عنوان موتور محرکه داستان، به مخاطب می‌فهماند که سری رمان‌های «آرسن لوپن» به زانر جنایی تعلق دارد.

برخلاف نویسنده‌های دیگر، «موریس

چون در برابر مغول‌ها ایستاده. و از قیام برحق او در دفاع از وطن به

خروج تعبیر می‌شود که بار معنایی دیگری دارد. در حالی که کسانی که تاریخ را مطالعه می‌کنند، می‌بینند این‌طور نبوده است.

این مدرس زبان و ادبیات فارسی که معتقد است دست نویسنده برای اغراق در داستان‌پردازی باز است ولی در تاریخ این‌گونه نیست، بیان کرد: اگر مورخ باور قلبی و تعهد نداشته باشد، می‌تواند وقایع را دگرگون کند. برای همین تفاوت میان متن تاریخی و داستان‌پردازی در کاربرد اغراق خیلی مهم است، چون در داستان‌پردازی دست نویسنده باز است و می‌تواند هر قدر که بخواهد دامنه تخیلش را گسترده و مطالب را اغراق‌آمیز کند تا تاثیر بیشتری بر خواننده بگذارد. اما تأثیری که متن تاریخی می‌تواند بر خواننده بگذارد، فقط با حقیقت‌نمایی و واقع‌گرایی شکل می‌گیرد، هر چقدر نثر محکم‌تر و بیشتر به واقعیت نزدیک و بی‌طرفانه‌تر باشد، بیشتر بر مخاطب تأثیر می‌گذارد.

نجمه دری همچنین در پاسخ به سوالی درباره امکان تحریف تاریخ در آثار ادبی‌ای که به وقایع تاریخی برمی‌گردند، گفت: خط ممیز همین است که وقتی یک اثر به اثر ادبی تبدیل می‌شود دیگر آن لزومی که حتماً باید دقیقاً حقایق را آن‌طور که هست جلوه بدهد، از گردن نویسنده برداشته می‌شود یعنی او دیگر مجبور نیست عیناً همان چیزی را که وجود داشته یا به چشم دیده بگوید و برعکس برای ایجاد شگفتی و ابتکار در آفرینش ادبی سعی دارد هر چه بیشتر از قوه تخیل خودش استفاده کند و تصاویر را به صورت انتزاعی بیافریند، پس دیگر خود را صاحب این حق می‌داند که هرچه در توانش هست، عناصر تخیل را برای جذابیت و تأثیرگذاری بیشتر به متن اضافه کند. او ادامه داد: برای همین است که مثلاً در منظومه‌های عامه یا حکایت‌های عاشقانه می‌بینیم تصویری از زنی آفریده می‌شود که با یک لشگر چهارصدنفری مبارزه می‌کند یا مردی که لشگری هزارنفری را از پا درمی‌آورد. البته خیلی از این‌ها ممکن است با معیارهای عقلی باورپذیر نباشد ولی به نوعی جنبه سرگرم‌کنندگی کار را بالا می‌برد و قهرمان را خارق‌العاده و ابرقهرمان می‌کند که همه می‌خوانند جای او باشند و این باعث می‌شود داستان جذاب‌تر شود.

دری سپس با بیان این‌که وقتی با اثر ادبی مواجه هستیم، اغراق و تلاش برای اعجاب‌انگیزی بیشتر جزئی از هنر نویسنده محسوب می‌شود، در این‌باره اظهار کرد: در این‌جا دیگر نمی‌شود نویسنده را به‌خاطر مبالغه کردن زیر سوال ببریم، خصوصاً وقتی اثری خلاقه

لبلان» به یک اسطوره تبدیل شد. او هم برای نویسنده های فرانسوی بعد از خود و هم برای دیگر نویسندگان کل دنیا که دنبال کاراکترهای ماندگار و جذاب بودند (به عنوان مثال جیمز باند) الگو قرار گرفت. از منظر اساطیر یونان باستان، او شبیه هرمس سارقی بود که شکوه زنوس را داشت و همچون هرکول به قفس جادوانگی هجوم می برد. شاهکارهای جالب «لوپن» ضرورتاً متأثر از داستان های کارآگاهی معاصر بود و غالباً برای سرگرمی خودش جهت حل معماهایی که برای پلیس فرانسه پیش می آمد، کمک می کرد. این اتفاق در رمان «۸۱۳» به وضوح قابل رویت است؛ او هم وقتی که یک قاتل سریالی خونسرد افراد بی گناه را می کشد و گناه آن را به گردن «آرسن لوپن» می اندازد و او را مجبور می سازد برخلاف روال همیشه که فقط از ثروتمندان می دزدد و کسی را نمی کشد، عمل کند.

«لوپن» استاد تغییر چهره است و با حمایت دوستان خود مرتب و به راحتی از جنگ مأموران قانون می گریزد، هر چند گاهی که پای عشق وسط می آید، او هم کمی می لغزد. برعکس «رابین هود»، «لوپن» فقط به جیب خود فکر می کند و هر بار ثروتمندتر می شود، هرچند گاهی هم برای قرب مأموران حکومتی به بعضی که از ناعدالتی رنج می برند کمک می کند و یک تیم جعلی می سازد.

قهرمان‌سازی از یک‌تپهکار حرفه ای مثل «آرسن لوپن» باعث شد تا اعمال خلاف قانون او کمتر به چشم بیاید. در زمانه‌ای که پلیس فرانسه در اوج سخت‌گیری و اقتدار به سر می‌برد، وجود لوپن شعله‌ای بود که هوش، آزادی و ظرافت را یادآور می‌شد و به طبقه متوسط که مخاطب داستان‌هایش بودند، حس امیدبخشی می‌داد؛ ضمن این‌که با عملیات خود، آن روی دیگر نظام سرمایه‌داری را افشا می‌کرد. «لوپن» همزمان با غارت سرمایه داران، چهره منافق و کذاب آنها را هم به نمایش می‌گذاشت. هنوز هم شجاعت و جوانمردی و از همه مهم‌تر، مهارت او در هنر، نقاشی، عتیقه‌جات و جواهر، برتری او را نسبت به قربانی‌هایش نشان می‌دهد.

البته اگر افرادی که توسط «لوپن» قربانی می‌شدند، خودشان جزو ریاکاران و مفسدین اجتماع بوده باشند، پس او هم می‌تواند نماینده همین قشر باشد و به قول «شرلوک هلمز» هیچ تغییری در این نظام ایجاد نکرده بلکه فقط به آنها یادآور شده که برای رسیدن به اهداف خود چه شروطی لازم دارند.



می‌آفریند، هرچند که مبنای اصلی آن هم یک واقعه تاریخی باشد. مثلاً در وقایع مذهبی، بارها دیده‌ایم که «قیام مختار» را به صورت منظوم یا منثور روایت کرده‌اند یا در موارد اسطوره‌ای، «بهم‌نامه» یا آثار دیگری که به تقلید از «شاهنامه» فردوسی آفریده شده، سعی کرده‌اند قهرمانی را بی‌برورند و آن را بزرگ کنند، گرچه خیلی از این‌ها ریشه تاریخی دارد، یعنی در تاریخ شخصی به این نام پیدا می‌کنیم ولی آن نام و آن چه در تاریخ بوده با آن چه در اثر ادبی آفریده و پرورانه شده، خیلی متفاوت است. این نویسنده و خالق هنرمند بوده که به روایت تاریخی در معملاً کوچک‌تر و کوتاه‌تر است، پر و بال داده و آن را به یک اثر شگفت‌انگیز تبدیل کرده است.

این استاد دانشگاه در پایان گفت: در بعضی موارد این جواز را به‌طور کامل به نویسنده یا شاعر می‌دهیم که خیال خود را در روایت اصلی تأثیر بدهد اما در پاره‌ای دیگر موارد باید با احتیاط همراه باشد. مخصوصاً وقتی داستان‌ها با روایت‌های تاریخی و مذهبی همراه می‌شود که به نوعی با اعتقادات مردم سر و کار دارد، در این‌جا میزان دخالت اغراق و تخیل نویسنده بسیار بسیار حساس است، چه بسا که دخیل کردن اغراق و مبالغه و دور شدن از حقیقت باعث شود یک داستان تاریخی مجعول و ساختگی به وجود بیاید که به اصل و اساس آن مقدسات توهین وارد کند و موجب وهم و حسستی در آن روایت شود، در نتیجه موجبات ضعف را در باور و اعتقاد مردم ایجاد کند، در این‌جاست که خیلی مهم می‌شود. به خصوص در جهان امروز که ذهن پویای بشر هیچ نکته‌ای را جز با اسناد و مدارک عقلی و منطقی نمی‌پذیرد باید با نظارت کامل بر این روایات جلو انحراف و بدوازه‌های غلط را گرفت.

عجالتاً تلاش کرده‌ایم در چارچوب برنامه‌های چهل و دومین سالگردپیروزی انقلاب گریزی هم به آن زنیم، برای این گریز لازم بود حتماً و حتی الامکان به همه فعالیت‌های راینزی فرهنگی ایران در قرقیزستان، تقدیر از چهار نفر از کسانی که در طول ۱۰ سال فعالیت راینزی فرهنگی بیشترین همکاری و تعامل را با آن داشته‌اند، اعلام بردگان مسابقه ایرانشناسی در فضای مجازی و اعطای لوح تقدیر و جوایز به آنان و اجرای موسیقی ایرانی و قرقیزی و... گفتنی است نیمه اول اسفندماه ۹۹ نیز مرکز ایرانشناسی فردوسی در کتابخانه ملی قرقیزستان که پس از ۱۸ سال اکنون توسط راینزی فرهنگی در حال بازسازی است طی مراسمی با ادامه نمایشگاه عکس، پوستر و کتاب انقلاب اسلامی و ایران امروز در همین مکان، بازگشایی خواهد شد. مرکز مذکور با تمهیدات پیش‌بینی شده؛ از اسفند ماه ۹۹ به تدریج به مکان و محلی برای برگزاری نمایشگاه‌های مناسبتی و موضوعی تبدیل خواهد شد.در پایان می‌خواهم چند کلمه‌ای نیز درباره فعالیت مرکز فرهنگی ایران در قرقیزستان (راینزی فرهنگی) بنوسم. مرکزی که امسال حضورش در این گوشه آسیای مرکزی به ۱۰ سال می‌رسد و ما منصفانه تحت پوشش قرار دهد.

اخبار

فیلمبرداری فیلم کوتاه «آبا» تمام شد
فیلمبرداری فیلم کوتاه «آبا» به نویسندگی و کارگردانی مهدی برزکی تمام شد و روی میز تدوین قرار گرفت.

به گزارش امتیاز، فیلمبرداری فیلم کوتاه «آبا» به نویسندگی و کارگردانی مهدی برزّکی به تازگی به اتمام رسیده است و این فیلم هم اکنون روی میز تدوین قرار گرفته است.

پیش تولید فیلم کوتاه «آبا» آذر و دی ماه ۹۹ انجام شد و فیلمبرداری این فیلم کوتاه در شهر کاشان و به مدت۵ روز انجام شده است. امیرحسین شاکری نیز در حال تدوین این فیلم کوتاه است. معصومه قاسمی پور، اختر سادات اولیایی و فاطمه مراضی بازیگران فیلم کوتاه «آبا» هستند.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «بودن یا نبودن زنی که از پیری می‌گریزد…»

فهرست عوامل «آبا» عبارتند از: نویسنده و کارگردان: مهدی برزکی، دستیار کارگردان: محمد رضا سعیدی فرد، انتخاب بازیگران: مانده قطبی، مدیر فیلمبرداری: علی حسین زاده، مدیر صابرداری: مصطفی بهمنی، طراح صحنه و لباس: الهام خداینده لو، آهنگساز: نیما امین، تدوین: امیرحسین شاکری، مدیر تولید: سعید قربانی، عکاس: محتجبی محسن، روابط عمومی: آزاده فضلی، تهیه‌کننده: انجمن سینمای جوان ایران و مهدی برزّکی.

دریاچه ارواح در «ایران» پرس تی وی

برنامه «ایران» شبکه پرس تی وی به معرفی شهر ناین و دریاچه ارواح می پردازد. **به گزارش امتیاز**، برنامه این هفته «ایران» به کارگردانی پروین ابراهیمی به معرفی شهرستان ناین از توابع استان اصفهان و همچنین بازدید از دریاچه ارواح واقع در استان مازندران اختصاص دارد.

در بخش اول این برنامه، گیسو میشاحمدی به معرفی و بازدید از اماکن تاریخی ناین از جمله آب انبار تاریخی، نارین قلعه، خانه تاریخی پیرنیا، موزه کویر و بازار تاریخی می پردازد. در بخش دوم نیز امیرمهدی کلفطی، دیگر گزارشگر برنامه ، دریاچه ارواح واقع در استان مازندران را به مخاطبان معرفی می کند. برنامه «ایران» دوشنبه ساعت ۱۲:۰۰، سه شنبه ساعت ۱۷:۰۰، چهارشنبه ساعت ۰۳:۰۰، پنج شنبه ساعت ۰۸:۰۰ و ۱۶:۰۰ و جمعه ساعت ۰۰:۰۰ روی آنتن می رود.

در آی فیلم «من یک مستأجرم»

مجموعه تلویزیونی طنز «من یک مستأجرم» با بازی هنرمندانی همچون امیر جعفری، ریما رامین‌فر و سعید آقاخانی، از پنجشنبه مهمان خانه‌های آی‌فیلمی‌ها می‌شود. **به‌گزارش امتیاز**، این مجموعه طنز که در

سال ۱۳۸۳ از شبکه سه سیما پخش شد، بعد از سال‌ها دوباره در جدول پخش کانال فارسی این شبکه قرار گرفت.

این سریال ۲۶قسمتی را پریسا بخت‌آور ساخته و شخص‌رواستین نگارش فیلمنامه آن را عهده‌دار بوده است.

امیر جعفری، کنایون امیرابراهیمی، سعید آقاخانی، ریما رامین‌فر، نگار فروزنده، سیند امیرسلیمانی، بهاره رهنما، الهام چرخنده، نیما تارخ، آرش مجیدی، فرشید نوایی، رضا بنفشه‌خواه، محسن قاضی‌مرادی و جواد عزتی گروه بازیگران این مجموعه را تشکیل داده‌اند. «من یک مستأجرم» داستان یک پیرزن به نام زکانه خانم است که یک ساختمان پنج‌واحدی در تهران دارد. او از خارج برمی‌گردد و در فرودگاه با مسعود آشنا شده و مسعود او را تا خانه‌اش می‌رساند. مسعود مباشر زمانه‌خانم می‌شود و در تلاش است برای خانه مستأجر بیاورد و خودش برای اینکه در خانه بماند مجبور به ازدواج می‌شود تا اینکه…

«من یک مستأجرم» با پایان سریال «خبرنامه» از پنجشنبه ۲۳ بهمن، هر روز ساعت ۱۷ روی آنتن آی‌فیلم فارسی می‌رود و تکرار آن روز بعد در دو نوبت ۱ بامداد و ۹ صبح پخش می‌شود.

در «این هفته در تاریخ» هیسپان تی وی بررسی می‌شود: از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا آزادی نلسون ماندلا

شبکه هیسپان تی وی در این قسمت از برنامه «این هفته در تاریخ» (Esta semana en la historia) به موضوعات پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خشم مسلمانان جهان از اهانت به ساخت پیامبر (ص)، آزادی نلسون ماندلا و انقلاب مردم بحرین می پردازد.

به گزارش امتیاز، برنامه «این هفته در تاریخ» که به مرور مهم‌ترین اتفاقات در تاریخ اشاره دارد و رویدادهای مرتبط را با استفاده از تصاویر آرشیوی و نریشن برای مخاطبان توضیح می‌دهد، در این قسمت نگاهی خواهد داشت به پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ که به برپیدده شدن رژیم شاهنشاهی ختم شد.در این برنامه، ضمن پرداختن به مجموعه اتفاقاتی که در ایام دهه فجر منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد، به ماجرای توهین به ساحت پیامبر اکرم (ص) پرداخته و اعتراضات و خشم گسترده مسلمانان در کشورها مختلف جهان به تصویر کشیده می‌شود. در ادامه برنامه به آزادی نلسون ماندلا از زندان اشاره خواهد شد که با شادی هزاران سیاهپوست همراه بود. او در بدو آزادی خطاب به ده‌ها هزار هوادار گفت: «به نام صلح، مودکرسی، و آزادی برای همه به شما درود می فرستم». بخش دیگر این برنامه به انقلاب ۱۴ فوریه بحرین اختصاص دارد که با استفاده از تصاویر و اطلاعات مربوط، این اتفاق برای مخاطبان نمایش داده خواهد شد. «این هفته در تاریخ» کاری از اادع تولید برنامه های شبکه هیسپان تی وی است که در طول هفته از دوشنبه تا یکشنبه هفته بعد در چند نوبت از شبکه هیسپان تی وی پخش می‌شود.